پدر طراحی صحنه ایران در گفت و گوبا «شهروند»:

طراحان امروز به اندازه من شانس نیاوردند

رضا نامحو إخسب و خور شبیدی از جمله را ایست که طراحی صحنه و معماری در ایسران به او مدیسون هستند. معماری ایران و تهران قدیم هـم وامـدار کتاب زیبای خورشـیدی در این زمینه اسـت که «آن روزگاران تهرانِ» نام دارد. خسرو ــــدی دانش آموختــه معمـــاری خورشــیدی دانش اموحـــه معمــری ،ر ایتالیاست و اهل فن و دوســتداران او روز او طراحی دکور و صحنه فیلم «سربداران» گفت و گو سے صمیمانے ساا سے منہ منہ ری کی سوت انجــام داده کــه در خلال آن درباره مسائل مربوط به طراحی صحنه از روزگار جوانی او تا به امسروز، دلایل موفقیت سینمای ایران در سال های اخیر و چالشهای پیش رو در این دو مقوله سخن

- شـما قبـل از بازگشـت بـه ایـران در اپراهـای آمریکا مشـغول به کار شـدید. پر ۔ ۔ی :حریت مستوں به کار سندادہ میخواهــم بدانــم راهیابــی شــما بــه آن صحنههایِ جهانی چگونه شکل گرفت؟

در سال تحصلی ۵۷-۵۸ برای دوره مطالُعاتــیام بــه آمریکا رفتــم. بنا بود ۲ســالُ بمانم اما چون انقلاب شــد یکسال بعد به ایران تم به راحتی بـه اسـتودیوها و اپراهای

یه بروب. - به نظر بسیاری از فعالان حوزه طراحی صحنه و معماری شما جزو افرادی هس اله در طول دوران تحصيل و حتى پس از سیدن به درجه اسـتادی روحیه تحقیق به با خود داشــتهاید. درونمایه این نلاشها چه چیزی است؟

در تمام عمرم بهعنوان یک دانشـجو سـعی می کردم هر جا که می فتم از تئاتر و سـینمای سی بردم مر به سی رسیم، انگلیس، ایتالیا آنجا دیدن کنیم. در اتریش، انگلیس، ایتالیا و آمریکا، در هر فرصتی که پیش می آمد حتی اگر یکماه بود ایس کار را انجام می دادم برای این کسه آرزو داشتم تفاتر و به طور کلی هنر مملکت من پیشرفت کند. چرا که من به یاد می آوردم کـه در دُوران جوانـی ُ و نوجوانی تئاترهایـی را در ایــران دیده بودم کــه با تمام ئمبودهـــا در زمان خودش با کارهــای اروپایے برابری می کرد. بازیگران تئاتر ما از گذشته واقعا عالی بودند. از قبل تر آقای سارنگ، آقای نوشین شباویز را به یاد مُسیآوردمُ و در دوران بعدتر نم بازیگران عالی داشتیم که احساس می کنم گر بر نامه ریزی های ما در سبت بود (در آن زمان ناحدودي اين برنامهريزي درستُ بود) ما نُقَا داشتیم. به همین دلیل آرزو داشتم بتوانم آنچه بهعنـوان نقـص در هنرهای تصویری کشـورم می.بینم (هنرهای تجسمی شـامل دکور تئاتر، دکور سینما و ...) را برطرف کنیم. در تمام طول ت دور سینت و ... را برصرت سیم، در نمام طول زندگیام، چـه در دوران محصلی در ایتالیا و چه در دوران کارآموزی در ایتالیا و چه در آمریکا

مسعدر مسم. در فاصله تمام شدن سربداران تا باز گشـت به کشور شــما در آمریکا حُضور داشتید. تجربه سُلفر دوباره به این کشور

چگونه در ذهن تان نقش بسته است؟ به جرأت می توانم بگویم تنها ایرانی بودم که از لحظه رسیدن به آمریکا کار خودم را انجام دادم. طراحــی صحنه، طراحی داخلی و ۳ نمایشــگاه برگــزار کردم. همــه اینها به خاطر عشــقم بود. است داشتم پر بار تر شود و با دست پر به ایران برگـردم. تمام امکاناتــی که در آمریکا داشــتم به لحاظ مالــی و معنوی را گذاشــتم و به وطن برگشتم تا کارم را ارایه دهم. - در ادامه به ایران بازگشــتید. از آن روز

نا امروز که با شــماً صحبت میکنم شرایط کاری تان به چه صور تی پیش رفت؟

خوشبختانه از ســال ۷۱ که به ایران برگشتم در دانشـــگاه تدریس کردم و برای متجاوز از ۱۳ تئاتر بســـیار خوب طراحی لباس و صحنه انجام . موعه کارهای دادم. ۳ تله تئاتر هم داشتم. مجموعه کارهای من از سال ۷۱ تا الان حدود ۱۸ کار سینمایی و تئاتری، ۴ نمایشگاه خوب از کارهایم و ادامه و عاطری، ۱ تصفیصت عنوب ر عرصه و داشت ندریس تا سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بود. البته الان ندریس را کنار گذاشــتم به این خاطر که باز هم انرژی دارم کارهای دیگر انجام دهم. در مهرماه بکُ نمایشُـگاهُ خیلی خُوب از کارهای مُجْسُمه خودم دل م که انشاءالله برقرار شود. به - شــما در دوره زماني اي به تئاتر کشور کمتری در مقایســه با امروز فراهم بود. اما امروز جامعه تئاتری ایران شما را بهعنوان پدر طراح صحنه می شناسد. درمورد این موضوع و این انتخاب صحبت کنید. چرا ما را پدر طراحی صحنــه در ایران

من هر گــز نمی توانم بگویــم نو آور ترین طراح ، بودم. من در نسل خودم و در سن خودم از بزرگانی که در طراحی صحنه بودند و با امکانات

در آن موقع فضـا برای کار کردن در سـینما نراهم نبود. اولین فیلم سـینمایی من در سـال ۱۲۰ هــزار تومان هم قيمت نداشــت. يعنى آن دكور با ۱۲۰هزار تومان مواد اوليه ســاخته شد. کم کار می کردنــد آموختم. هنوز هم امکانات ما کم اســت. امروز هم که مــن کار می کنم خودم

به ذهنم می آید برای پیشبرد کارم چه متریالی را مورد استفاده قرار دهم. والا ما در مقایسه با فارج از ایران اصلا امکاناتی نداریم. همه ساله در دنیا چه برای تئاتر و چه برای سینما (درست مین مصالح ساختمانی) بروشورهایی بیرون مى آيد كه در آنها شرح لوازم استفاده از امكانات در تئاتر و سینما حتی در مورد بافت پارچه برای

لباُس و دُکور ارایه می شود. د - آقای خور شیدی شما امروز الگوی خیلی از جوان ها در عرصه طراحی صحنه د. اگر به عقب برگردیم، چه کسانی در دوران نوجوانیی و جوانیی ش خودشــان را در ذهنتان بهعنــوان الگو باز

ر سنین نوجوانی خودم شیفته کار دو طراح بزرگ يعنى أقاى «ناول سرورى» و آقاى «ولى اله خاكدان» بودم كه حقيقتا با آن امكانات كم در بیننده هنر های نمایشی انگیزه ایجاد می کردند. - دکور نقشی دارد که اگر به صورت صحیح ساخته شود با استفاده از آن *یی* توان بــه درون مفهــوم درام پیبر د. ما این موضوع چگونیه در قصه و

نمایش خود را نشان می دهد. دکـور کامل کننـده متن اسـت. من چند پـی اس از کارهـای ولیالـه خاکدان کا کار،درنهایت تفاوت داشتن در صحنه وبقيه موارد به صورت را وقتى در تئاتىر سىعدى یکمهرباشد.یعنی تماشاُچی متوجهشودکهمثلااینکار«پیر گار می کرد در ذهنت دارم. البته همه کارهایش عالی یائولویاز ولینی «است.برای . به د اما ایسن تجربه هیچوقت (پی اس از تبع خارج شـد) ىناووويس فليني خداوند كاران هنربودند. حادم نمیے رود او در این ر ہے۔۔۔۔ کرر کار به قــدری فضای بیرونی شماهيچوقتمى توانيد تصور . کنید⊪ژولورن⊪بیایدمی بک ویسلا را زیبا مجسم کردہ بــود که عُشــق به این

استروگوفرابنویسد؛اماوقتے ابرامى خوانيدمى بين ننه پردازی در وجود من چقدرشبیهنوشتههایخود ماند و مُن سَعى كُردم آنچه آنها با آن خلاقيت ارايه ۔ اوست بي دهند را دنباله روى كنم. ی امروز هم طراحـــان خوبی را در اثر وجود دانشــگاهها، داریــم. امیدواریم کار

آنها روز به روز درخشان تر شود. اما من واقعا به خاطر این که ذهنیتم متوجه آن بزرگان شده بود، زحمتی که در تمام رشتههای طراحی که عبارت است از طراحی از حقیقت، مجسمه سازی و ساختن وسایل اکسسوار و ...

سبست رب ر رابه جان خریدم. - آقای سسمندریان از نامداران تئاتر این سے زمین بودند که به کار شیما علاقه یاری داشتند. کمی درباره تجربیات تان با این مرد صحبت کنید.

بك تله تثاتر با زنده ياد سمندريان كار كردم یک معامر با رضایاد هستماریان عار فرام. به نام ابه سوی دمشق ا اثر استریمبرگ. تمام صحنه و دکور را خودم و با کمک یکی از دانشجویان باذوقم که استعداد ساخت در وجودش بود، در سالن بسیار کوچکی در دانشـگاه تربیت مدرس سـاختم. بــه ما جای دیگری ندادند. سـقف آن اتاق به قدری کوچک بود کے کارگردان فنی و افرادی که فیلمبردار ـد فکر ُنمُی کردند بشَـودُ آنجا ایــن کُار راُ انُجام داد. سُعی کُردم در آن تجربه از ماتریالی استفاده کنم که به نمایشــنامه بخورد. بنابراین نماما از فلز استفاده کردم. شاید همه فلزی که ما بــرای خریــدش بــه پایین شــهر رفتیم

ه و چشم من آسیب دید. آقای میرسعیدی . . جوی من هم از طریق گاز جوشکاری و .. صدمه دیده بود. اما عشق به کار ما را وادار کرد ین کار را انجام دهیم. - چه عاملی باعث میشود با وجود سن

و ســالتان هنوز هم انگیزه و شوق فراوانی برای کار کردن داشته باشید؟

برای دار حرون دانشخه باسید: انگیزه اصلـــی من این بود کــه کار، درنهایت تفاوت داشتن در صحنه و بقیه موارد به صورت یک مهر باشــد. یعنی تماشــاچی متوجه شود که مثلاً ایسن کار «پیر پائولو پازولینی» است. برای مین او و ویسیکونتی و زفیرلیی و فلینی خُداوندگاران هنر بودند. شُما هید وقت می توانید تصور کنید «ژول ورن» بیاید میشل استروگوف را بنویسد؟ اما وقتی این کتاب را ید میبینید چقدر شــ ے رہے ہے۔ خـود اوسـت. بــه همیــن صــورت امضــای «فلینی» را در زندگی شیرین است میبینید، در «ساتریکون» هیم میبینیسد. تفاوتی که نشان دهنده ادامه رشد فكرى است. اين اتفاق در تئاتر گذشته ما بود. البته الان هم نسل جوان خوب کار می کند. بعضی تئاترها را که می بینم

انگیزه آنها در کار موج می زند. من می گوید انگیزه آنها در کار موج می زند. من می گوید انگیزه اصلی من این بود که انگیزه اصلی من این بود که برای مردان بنزرگ تئاتر باشــند. من در کارم همیشه وسواس ۔ ... که برای پــی اس «بینوایان» كار نكسردُم. الحسرُ هركسداً .کونتی و زفیر لی و از این شمعدانها را کنار هـم بگذارید میبینید با وجود امضا داشتن با هم

تفاوتهای زیادی دارند. در پر تیراژترین روزنامههای دنیا درباره ـما سـخن گفتهانــد ے۔۔ صحبت بر ســر تلاشــگر بودن و نو پر داز بودن شما

به میان آمده. وقتی بـا این حجم از اقبال متخصصان مواجه می شدید ذهن شیما چـه دریافتـی از این تعریـف و تمجیدها

ین خاطر است که برایش مهم نیست چه کسی یں حرصہ بریس مہم ہے۔ از کجا آمدہ، بلکے برایش این نکته اهمیت دارد که چه کسی کارش را بے نحو احسس انجام میدهد برای آنها جالب بےود من چگونه با یک این جا می دیدم. همان زمانی که در ایتالیا جُوان بودم داشــتم به اســتخدام یک گروه بزرگ در رجا در می آمدم اما دیدم آن وی من این است ں منر نمایشی غرب ئــده را به کشــورم بیاورم. اما هیچکدام از اینها باعث نمی شدود من بگویم از دیگران بر ترم. اولا من شانس این را داشتم دستیاری طراحان ه نسسان این را استیم باستیاری طورخان پزرگ را داشته باشم که امر مهمی است. در گذراندهاید حتی بعضی ها در دستیار به قدری رشد می کنند که دستیار می مانند. - شما باز گشتید اما هیچ وقت حضور تان

در سینما به اندازه تئاتر پر رنگ نشد.

۱۳۶۰ همان سریال باشکوه سربداران بود. یعنی از سال ۴۸ که به ایران آمدم تا سال ۶۰ يعنى طبي ١٢ سال فقط كار دانشگاهي كردم. ا این وجود که در تمام اپراهُای بزرگ دنیا کار . یی ربر کردم، نمایشــنامههای من در بخش فوق برنامه دانشگاه تهران و در تالار مولوی اجرا میشد و همه کارهای دکور را هم خـودم انجام میدادم. به طرف سینما نرفتم چون کششی که باید در من ایجاد می کرد را نتوانست ایجاد کند. از سربداران ۳۲ لینزود ساخته شد که ظاهرا اجازه ر. رای پخش ۲۸ اپیرود آن را دادند. بقیه آنها به گفته آقای محمد علی نجفی که لازم برود برای نگاه

تاریخی پخش شود شامل شهر میکده ها بود که آنها را نشان ندادند. - با این وجود سربداران به عنوان یک تجربه منحصر بهفر د همیشه در کارنامه شـما درخشـید. میخواهم بدانـم در آن پروژه همه چیز برای کار کردن فراهم بود؟ من در سـربداران دلگیریهای شدیدی پیدا کردم. تمام کارهای صحنه، دکور، لباس و ... فوٰدم انجام داُدم اما یک پشت از یکی از کارهایی که من انجام دادم نگرفتند

تا دانشـجویان اسـتفاده کنند و ببینند چگونه ایـن کار را انجـام دادم. مـن ــتــار هم نداشـــتم. ، ۔ . . . ر تانی کے می گوینے در سربداران دستيار خورشيدى بودیــــم لطــف دارند امـــا اصلا .ر ... ۱۴ چنین چیزی نبــود. تنها برای يك ماه ونيم أقاى ولى اله - ر ت ۱۰ ماری جرجانی کـه از دانشـجویان من بود بهعنوان دستیار با من میکاری کرد. او می توانست آنچه من میخواستم را انجام

دهـد. خـودش نقاش بسـیار درجه یکی بود و هسـت. الان هم یک گالری خیلی خوب به زيباترين عشق وديدگاه ... انی در ادبیات شمانهفته است. به نظر من سعدی گل . سرسبدادبیاتجهان است نام گالری جُرجانی دارد. اً آقای ایسرج رامین فر در ابتدا مســـئولیت طراحی لبــاس را هم بهعهده داشــتند که البته بس

رده بوده احتلافی بین ایشان و دوزنده ابیانه کلید خورد اختلافی بین ایشان و دوزنده لباسها به وجود آمد و ایشان قهر کرد و رفت. . حق با ایشان بود. من دیدم این جوان با استعداد که به نظــرم یکی از بهتریــن طراحان لباس در ایران هم هست خوب کار کے ده. برای این که بین برود طراحی لباس را به عهده گرفتیم، مدت ۲سال و چند ماه من طراحی لباس این کار را انجام دادم. حتی لباسهای صحنههای دیگری از قاضی شارع و ترکان خاتون گرفته تا لباس رقصنده را طراحی کرده. البته این قسمت بحث مفصلی میطلبد که من قصد دارم در کتابم به آن بپردازم. بنابراین با انگیزه کارم را شروع کـردم و هنوز هم تا زنده هســتم آرزو دارم یک کار کلوسال خوب دیگری در زمینه تاریخی

- به نظر شــما در هنرهایی کــه در گروه هنرهای تُجسـمی قــراًر می گیرنــد، عدّم مراجعه به هنرمنــد در پروژههای مختلف باعث خشک شدن قریحه او نمی شود؟ اگر بخواهم پاسخ این سوال را در مورد خودم

بدهم باید بگویم، اگر برای کار به من مراجعه

نمیشـود، اما در ذهن و فکرم دارم کار می کنم. هها و نقاشــیهای من همگی ظهور و بروز فکر من هســتند. طراحــی و معماری هم

همینطور. مـن چندین بنـا و اسـتودیو برای دوستان عکاسم سـاختهام اما عشقم به تئاتر و ی ننه مرا به این مقوله متوجه کرد. **توجه شیما بیه تئا تر همیش**

مقوله معماری به معنای علمی آن بوده. در دل این اقبال دلیل خاصی نهفته است؟ دلیلش این است کے تماشاچی تئاتر عام یک خانه نیست که تنها صاحب خانه نظاره گرش باشد البته که آن هـم کار زیبایی ساری صحنم در فیلم شب آقای «آنتونیونی» را اگر ببینید متوجه می شوید آن معماري توسيط يک طراح صَحنه انجام شده . طراح «کلوپاترا» هم استاد ما در آکادمی

ــالها را به لحاظ طراحی صحنه چگونه ارزیابی می کنید؟ به هر حال سینما از تئاتر عمومی تر است اما شما فعالیتی به حجم کارهایتان در تئاتر را در این عرصه

با علم به این که فیلم سربداران را یک تنه جلو بردم ایسن کار را ادامه ندادم. ایسن باری بود که

صلح جو بي وانسان دوستي

درادبیات ماموج میزند.ما کشوری هستیم کهوقتی

گوته در مورد حافظ صحب می کندیافیتز جرارد

شعرهای خیام رامی خواند

در دنیامطرح میشویم.

جهانيان وقتى به واسطه

رامىشنونداذعان دارند

در اثـر چندینسـال کار ممتدبـانیروی جوانی در ۔۔۔ تمام آتلیہھاُی کش کـه از در و دیــوارش هنر ر زندگی میریزد به دس خی از شهرهای ایتالیا شهرهایی که خودشان صحنـه تئاتـر هسـتند و اگــر در گوشــهای از ر ر ر سر دوکھای ونیسز، نمايشنامه اتللو بدون

هیچ دکوری اجرا میشود ت که حیات آن قصر خودش سان کننیده تمیام فضایی است کیه در تئات ... مایشنامه شکســپیر می گذرد. رومئو و ژولیت را در پروجا یا دیگر شهرها اجرا کردهاند. من در ر ر برارد ر کار خواب هم با این شهرها زندگی می کردم. عشق به این که من در مملکتم بازیگری دارم که وقتی بابه صحنه مي گذارد صدايش سالن را مي لرزاند ۰٫۰ مرا به این رویا نزدیک تر می کرد. درواقع سید لتفاده نکرد نه من از سستما، وقتی از رسی است. آمریکا بازگشتم خیلی علاقه داشتم یک فیلم خاص را کار کنم اما متاسفانه فیلمبردار پیر آن فیلم عادت کرده بود در کار طراحصه ببرد. چرا که آن روزها در سینمای فارسی اصلا

ط اح وحود نداشہ مُور در سربداران چه تفاوتی با سایر پروژهها داشت که شـما به خاطرش تا این

پرورد حدوقت و انرژی گذاشتید؟ حسنی که سـربداران داشـت این بود کا طراح صحنه اختيار تــام داده بودنــد. اگر قرار عنه اعــدام را آماده کنیــم توضیحی در[°] مور د این صحنه داده نشیده بود. برای جوبه دار طراحی انجام می دادم که شاید در سینمای دنیا هم کمنظیر باشد. هنوز هم من در انتظار این هستم که یک فیلم خموب تاریخی به مز

نهاد همکاری کند. سربداران هیچ کیی از ... فیلمهای خارجی ندارد. اگر بنا باشید در یک کار تاریخی طراحیی صحنه کنم کارهای انجام شــده در ســربداران را از ذهنم بیرون می کنم. باید کاری کنم که رشــد مرا از ســال ۶۰ تا ۹۳

۔ اگر بخواهیم شرایط سینما و تئاتر دهه ۶۰ را از منظر طراحی دکور مدنظر قرار دهیم وُضع آنها را امسروز که با هم صع میکنیم چگونه ارزیابی میکنید؟

مایی جهانی شد. کارگردانهای م خود را در ارایه کارهای در خشان نشان دادند و جایزههای درخشانی از بزرگترین آکادمیهای هنری دنیا بردند. آنها با یک کار هنری به این یت رسیدند نه هیچ چیز دیگری. در کنار بن جایزهها کارگردانان ما کارهایی انجام دادهاند هماندازه یا شاید بالاتر از آنهایی که

کارُ گردانی بسیار خوب است. باز هم بُهخصوص درمورد کار گردانهای جــوان ما. من اجرایی از یکُ کُارگردَانَ جَوَان دیدم که واقعا بینظیر در یک سالن بسیار کوچک ریچارد دوم را به خوبی کار کردند. من آرزو داشتم این کار یک سته دوباره مُعرفي و اجرا شودٌ. من وضُع هر دو را خــوبُ ميدانم. در مورد تخصص مَن کوشَـشُ های بَســيار خوبی شــده. دوست س توسیسی به سیر عربی ندارم سخنانم این برداشت را در ذهن مخاطب داشــته باشــد که ما طراحان صحنه بــا لیاقتی نداريم. مــا آنها را داريم. امــاً طراحان صحنه شانس مرا نداشتند. من شانس آموختن زیادی م. تحصیلاتی که در خارج انجام دادم در کنار همکاری در بزرگترین اتلیههای سین کنار همکاری در بزرگترین اتلیههای سینمایی و هنری اتفاق افتاد. من نزد مجسمهســـازی کار ر رای این از روز اول به من گفت دس می کردم کــه از روز اول به من گفت دس قابلیت ساختن را دارد.

- «شــهروندُ» روزنامهای بــا رویکردهای انسان دوستانه و صلح طلبانـه اسـت. اصولا کشـوری که تمدن بزرگ و سـابقه تاریخی مشخصی دارد پشتش به قانون، صلح و ... است. با وام گرفتن از آن سبقه صنع و ... اعسروز اشتال شسها در تئاتر و تاریخی، امسروز اشتال شسها در تئاتر و سینما تلاش کردهاید. تلاش شما معرفی هنسر ایسران زمیسن را در بسر دارد. ار تباط بیسن رویکردهای روزنامه شیهروند با این فعالیتها را چگونه میبینید؟

... جهان امروز متاسفانه بیش از هر چیز دچار تبلیغات است. کسانی که از خارج می آیند و به سر زمین ما سفر می کنند، شگفت: ده می شوند. ررین چراک تبلیغاتی که در کشورهای آنها انجام می شود را با آنچه در ایران ما می بینند در مغايرت است. ما از نظر تبليغات ضعف فراواني داریم. برای همین وقتی فیلم یک کار گردان م. برای همین وقتی تیستر . بی بسرای نمایش به خارج از کشسور می رود ۲۰۰۰ ماست کارگردان بسه نظر آنها ی ، ن مورد توجه ایسن کارگردان بسه ســتودني اســت. شــما متوحه مي شــويد که فیلمهایی که برنسده بهترین ٔ جایزههای جُهانی شده دقیقا همان مسائلی را مطرح می کند که مورد سـوال تبلیغات کشــورهای خارجی رر کی است. صلح جویی و انسان دوستی در ادبیات ما موج می زند. ما کشــوری هســتیم که وقتی گوته در ممورد حافظ صُحبت مي كنمد يا فيتز . جرارد شعرهای خیام را می خوانید در دنیا مطرح می شویم. جهانیان وقتی به واس روبر ۱۰۰ تا ای را تها شیعر ما را می ش . دارنــد زیباترین عشــُق و دیدگاه انسَــانی در ادبیات شــما نهفته اســت. به نظر من سعدی گل، سرسبد ادبیات جهان است. وقتی میبینم گوته آنقدر زیبا درباره حافظ س ر سی کرد. حسرت میخورم که چرا ما هنوز به ارزشهای ادبیاتمان از رودکی گرفته تا نیماً نپرداختهایم. ما مردم صلحطلب و انسان دوستی هستیم. متاسفانه در برنامه های تلویزیون خشونت بينيم و رفتارها مناس میبینیم و رفتارها مناسب نیست. حتی کاهی اوقات میبینم خبرنــگار تلویزیون به مصاحب ر - گی.. ۱۶ ... بر می کند و می گوید شما چرا شوندگان پرخاش می کند و می گوید شما چرا این جا ایستادهاید؟ شـما چرا فلان کار را انجام می دهید و ... در صورتی که باید لطافت را در کارشان داشته باشنند. نباید از یادمان برود که در برنامه های سیما آثار با ارزش ادبی و هنری سخن متوسط یک هنرمند خارجی را به زبان می اورند. درحالی که ما مثالهای بسیار خوبی در ادبیاتمان داریم. ما باید کاری کنیم که از دنیا عقب نمانیم. باید ادبیات و هنر خودمان ۔ را قدر بدانیم. دنیا در مقابل گارسیا مارکز سراپا عزادار است چرا که او در تاریخ ادبیات نقش مهمی داشت. من مطمئنه که خود ما نویسندگانی در این رده داریم اما باید آنها را بشتر تأیید کنیم. صلح و عشق در رفتار مردم مشرق زمین و خصوصا ایرانیان دیده میشود. تا چند دُهه پیش در ایران همه مردم با هم به یک حمام میرفتند. مکانهای ورزشی مثل زورخانهها آدابی داشت. می گفتند اگر در رور حانه مقداری کوتاه است به این خاطر است که وقتی میخواهید وارد شوید تعظیم کنید و بعد بیایید داخل.